

(رفیق مشهدقلی نظرخانی)

رفیق مشهدقلی در يك خانواده دهقانی تهیدست در روستای «کوجک نظرخانی» به دنیا آمد. رفیق دارای پدر و مادر پیر و ۴ خواهر بود. به علت عدم توانائی مالی پس از ۵ سال تحصیل توأم با رنج و مشقت، قادر به ادامه تحصیل نشد. رفیق مشهدقلی در روز چهارشنبه ۹ خرداد ماه در جریان تیراندازی از طرف پاسداران کمیته که به همراه زمیندار غاصب «قدس»، با توطئه قبلی بر علیه دهقانان به روستا آمده بودند، شهید شد. یادش گرامی باد.

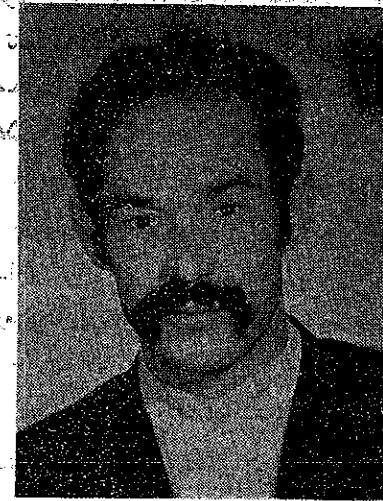
پایدار باد مقاومت قهرمانانه دهقانان مبارز
نابود باد توطئه‌های زمینداران بزرگ



رفیق شهید خلق ترکمن حاجی رحیم دازداری

حاجی رحیم در سال ۱۳۳۲ در شهرستان گنبدکاووس دیده به جهان گشود. خانواده او زندگی متوسطی داشتند. او تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در رشته ادبی در زادگاهش به پایان رسانید و در سال ۱۳۵۴ به خدمت نظام رفت. سپس برای تامین معاش به سیستان و بلوچستان رفت و در شرکت‌های خصوصی مشغول کار شد. بعد از ۲ سال به گنبد نزد والدینش برگشت تا با حاصل سال‌های زحمتش تشکیل خانواده بدهد ولی در جنگ تحمیلی گنبد در فروردین ۱۳۵۸ در جریان حمله ضد انقلابیون به منزلش او و برادرش را دستگیر و به وضع ناجوانمردانه‌ای تیرباران کردند. یادش گرامی باد.

گرامی باد خاطره شهدای به خون خفته خلق
نابود باد توطئه‌های ضد انقلاب وابسته به زمینداران بزرگ



(رفیق شهید عبدالحمید کلامی)

حمید در سال ۱۳۲۳ در گنبدکاووس متولد شد. او تحصیلات ابتدائی خود را در دبستان سیروس و تحصیلات متوسط خود را تا کلاس ۹ در دبیرستان مختم فلی فراغی (کاووس سابق) ادامه داد ولی به علت پیش آمدن مشکلاتی مجبور به ترک تحصیل شد. بعد از آن به سربازی رفت و پس از پایان سربازی شغل رانندگی را پیشه خود ساخت. از نظر مالی در خانواده‌ای متوسط می‌زیست. او به خلق ششم دیده ترکمن عشق می‌ورزید و همیشه در این فکر بود که چگونه می‌توان این خلق بونجیده را از قید و ستم رها ساخت. رفیق حمید در جریان جنگ تحمیل شده به خلق ترکمن در تاریخ ۵۸/۱/۱۱ توسط عوامل ضد انقلابی در کمیته اسلامی که به زور وارد منزل وی شدند دستگیر شد. این ددمنشان او را در منزل همسایه بهرگبار مسلسل بسته و به شهادت رساندند. خاطره اش جاودانه باد.

ننگ و نفرت بر مزدوران جنگ افروز
درد بر شهدای به خون خفته خلق

شرح تیرباران یکی از اسرا توسط افراد مسلح وابسته به کمیته گنبد از زبان خودش:

من عبدالجبار پتی فرزند ارك كاكاپتیق مادرم آبی سلطان و دارای يك برادر بنام عبدالستار پتیق ۴ ساله در خانواده کارگر فصلی بسیار فقیر و بی چیز متولد شدم و پدرم در آن محیط برای امرار معاش قطعه زمینی که بتواند زندگی ما را تأمین نماید در دست نداشت و با کارگری در فصل‌های مختلف، رانندگی تراکتور و ماشین، غذای بخورنمیر خانواده را تأمین می‌کرد و از دنیا و تحولات آن بی‌خبر بود، خلاصه بزرگ شدم و وقت رفتن به مدرسه شد و مرا به مدرسه صفوی بناور (امچلی امروز) گذاشتند. با هزار بدبختی به تحصیل مشغول شدم و با مشکلات فراوان کلاس سوم راهنمایی را در مدرسه راهنمایی امیری به پایان رسانیدم و پس از آن برای ادامه تحصیل در سال ۱۳۵۵ به دبیرستان نظری هدایت قدیم (مختومقلی فراغی جدید) رفتم و تا سال ۱۳۵۸ سوم نظری رشته اقتصاد - اجتماعی را به پایان رسانیدم. البته در حین تحصیل ایمان به نوع دوستی و سنت‌ها و فرهنگ ملی در من موج می‌زد تا این که برحسب وظیفه انسانی خود در جنگ تحمیلی گنبد برای کمک به دوستان جنگ‌زده خود شتافتم و اسلحه به دست دوش به دوش برادران از حقوق اجتماعی و خلقی خود دفاع کردم و با قنات تمام با عوامل ارتجاع و دست‌نشانندگان امپریالیست، بی‌امان جنگیدم تا اینکه روز آخر مبارزه، آتش‌بس از طرف هیئت اعزامی دولت بازرگان به تمام رزمندگان به وسیله بلندگو اعلام شد. ما اجرا پس از اعلام آتش‌بس شروع شد، چون در آتش‌بس‌های مکرر قبلی، در سنگرمقابل من آن طور که اطلاع داشتیم، ساواکی‌ها قرار داشتند که قبلاً نیز از جانب آن‌ها آتش‌بس شکسته شده بود، با هوشیاری مواظب بودیم تا باز هم به وسیله آن عوامل، جنگ تجدید نشود. تا اینکه از ستاد به وسیله تلفن اعلام کردند که ارتشی‌ها به طرف شما و برای دستگیری و خلع سلاح آن عوامل می‌آیند و

فصل پنجم:

متفرقه

نباید تیراندازی شود به من و یک نفر دیگر و سنگر مقابل اطلاع داده شد که تیراندازی نکنند. تا اینکه ارتشی‌ها آمدند و سنگر مقابل را با وجود اینکه رمز ردوبدل شد خلع سلاح کردند و به طرف سنگر من آمدند و من هم به احترام آتش‌بس رمز اعلام کردم توجه نکردند و با سنگرگیری و فرمانده در جلو، به یک متری من رسیدند، ناچار ایست دادم، همگی دست بالا شدند؛ ساواکی‌ها از این جریان سوءاستفاده کرده از پشت به من حمله کردند و به خاطر اینکه فکر می‌کردم ارتشی‌ها خود، ساواکی‌ها را شناخته و آن‌ها را به دام می‌اندازند، من تیراندازی نکردم و آنها مرا دستگیر کردند و با خودشان به اتفاق نظامیان به مسجد بردند و در مسجد به من آب دادند، نخوردم و از مسجد مرا بیرون آوردند و زنان و بچه‌ها و مردان مرا سنگ‌بازان کردند و اوایل ارتشی‌ها خواستند از این عمل جلوگیری کنند ولی آنها توجهی به فرمان ارتشی‌ها نکردند و سنگ زیادتر پرتاب کردند و در حین سنگسار کردن سر رفیق هم سنگر من شکست تا اینکه پرتاب سنگ متوقف شد و چند جوان به من حمله کردند و چند لگد به ناحیه شکم کوبیدند تا با استقامت و حمله من کنار رفتند و در همین اثنا نیز ارتشیان بی تفاوت تماشا می‌کردند تا دست و چشم رفیق مرا بستند و نوبت بستن دست من رسید و من با صدای بلند اعلام کردم نمی‌گذارم دست‌ها و چشمانم بسته شود تا اینکه مرا بکشید. در این وقت عده‌ای ارتشی بر روی من ریخته و چشمم را بستند و من با دست خود نقطه دیدی باز کردم در اینجا یکی از ساواکی‌ها اعلام کرد که این‌ها را برای اعدام به بیابان ببریم در اینجا ارتشی‌ها زبان باز کردند و گفتند به ستاد تحویل می‌دهیم تا مبادله اسرا بشود در این میان یکی از غیرارتشی‌ها که رُل فرمانده را بازی می‌کرد اعلام کرد، اگر شما ارتشی‌ها این دو نفر را به ستاد ترکمن‌ها ببرید همه‌تان را نابود می‌کنیم.

نظامیان از ترس جانشان از بردن ما به ستاد صرف نظر کردند و برای اعدام ما، چند نفر مأمور هم به غیرارتشی‌ها دادند و فرمانده آنها با ماشین شخصی خود قصد داشت ما را به میدان شماره یک

اعدام ببرد که خبر دادند میدان ۱ و ۳ پُر است به میدان ۲ برده شوند و ما را جهت اعدام به میدان ۲ بردند و در یک صحرای خلوت پیاده کردند و گفتند با دست‌های بالا ده قدم راه برویم و دستور اجرا شد و در پشت ما دو نفر به حالت آماده ایستادند اول مأمور ارتشی که پشت رفیق من آماده بود تیراندازی کرد و من دیدم تیر از ناحیه سر به رفیق من اصابت نمود و من نیز فکر کردم که سرم را نشانه گرفته، شیرجه رفتم روی زمین و تیر به بازوی چپ خورد و چون با تفنگ ژ - ۳ تیراندازی می‌کردند ضربه آن یک دور کامل مرا دور خودم چرخاند و تیر دوم هم از همان ناحیه اصابت کرد و افتادم و در موقع افتادن شعار می‌دادم که موجب عصبانیت آنها شده بود و این بار از فاصله ۵ متری مرا به رگبار بستند در همان رگبار یک تیر از زیر بغل و ۲ تیر از کمر و ۲ تیر از روی کتف به صورت سطحی رد شد البته تیری که به زیر بغل خورد پس از معاینه و معالجه دکترها معلوم گردید، باعث قطع شدن ریه چپ و شکستن استخوان و دنده‌ها گردیده است و برای اصابت به قلب یک سانتیمتر فاصله داشته است. دو تیری که به کمرم خورد باعث پارگی روده باریک شد که منجر به قطع ۱/۲ سانتیمتر روده باریک من گردید. در میدان اعدام پس از اصابت کلیه تیرها متوجه شدند که من زنده هستم آمدند و ناحیه شکم مرا لگدکوب کردند، به قدری با حرص و غضب لگد می‌کوبیدند که خسته شدند. در اثر فشار ضربه‌های پوتین ارتشی رگ‌های دور نافم پاره شد و ایجاد باد فتق کرد که نیاز به عمل جراحی به گفته دکتران معالجم دارد. پس از لگد چون فکر کردند من مرده‌ام، رفتند. پس از رفتن آنها روحیه‌ام را باز یافتم و با همان حال شروع به غلتیدن به طرف جاده کردم در آن اثنا آمبولانس گروه امداد طالقانی رسیدند، آنها مرا با خود به بیمارستان قابوس بردند. لازم به گفتن است که در موقع غلت خوردن تمام تن آغشته به خونم با خاک پوشیده شد و مثل سریشم به بدنم چسبیده بود. ولی من با روحیه‌ای قوی و خندان به بیمارستان رسیدم، دکترها در مورد عمل روی من تردید داشتند و

اظهار می‌داشتند به‌علت زیاد خون رفتن و از بین رفتن بازوی چپ، مرگ حتمی است بالاخره تصمیم به‌عمل گرفتند ولی کسی نبود که رضایت نامه را بنویسد، چون ورود ترکمن‌ها به آن بیمارستان ممنوع بود. ناچار خودم یادم هست که با دست راست خونی رضایت نامه نوشتم و امضاء کردم و دکتر کریم غیائی مرا به‌اتفاق عمل برده و به‌اتفاق چند نفر دیگر به‌عمل جراحی مشغول شدند تا زمانی که وسیله عمل را در دست گرفته بودند من به‌هوش بودم و چون خون، بسیار از بدنم رفته بود آمپول خوراکی به‌من تزریق کردند و یک نفر پرستار دائم مشغول تزریق خون بود تا عمل به‌خوبی انجام گرفت و از مرگ حتمی من جلوگیری شد و تزریق خون باز هم ادامه داشت و در بیمارستان قابوس جمعاً ۴ روز بستری بودم تا روز چهارم به‌هوش آمدم. بالای سرم خبرنگاران ایرانی و خارجی بودند و فیلمبرداران ایرانی ضمن مصاحبه، فیلمبرداری نیز می‌کردند. در همان ایام بستری بودن یک دختر دانش‌آموز افتخاراً از من پرستاری می‌کرد و من محبت‌های او را فراموش نمی‌کنم.

دکتر کریم غیائی لازم دانست که در تهران تحت نظر ایشان در بیمارستان خصوصی خودش (بیمارستان پاستورنو) بستری شوم. من هیچ موقع خدمات و محبت‌های این دکتر نوع‌دوست و با شرف را فراموش نمی‌کنم و همچنین پرستاران و بهیاران انساندوستی که به‌نحو احسن به‌من کمک کردند را فراموش نمی‌کنم. یک نکته لازم به‌یادآوری است که در موقع حرکت از گنبد به‌تهران به‌وسیله هلیکوپتر، دکتر از زنده ماندن من قطع امید کرده بود، در شاهرود سابق هلیکوپتر به‌زمین نشست و من کاملاً به‌هوش بودم و حال خوب بود، پس از نشستن و سوخت‌گیری، در آنجا کمی کمپوت، به‌من دادند و برای تقویت روحیه من، پرستارها با من عکس گرفتند و مجدداً چون دیدند حال من کمی بهتر است پرواز کردند و دو ساعت به‌دو ساعت به‌من تنفس مصنوعی می‌دادند تا اینکه به‌فرودگاه قلعه مرغی در تهران رسیدیم و از آنجا چون ترافیک مانع

سریع رساندن من به‌بیمارستان بود با یک هلیکوپتر دیگر مرا به‌نزدیکی بیمارستان رساندند و از آنجا به‌بیمارستان پاستور نو منتقل شدم. مدت دو روز در اورژانس بستری بودم و حال کمی بهتر شد و به‌تقاضای خودم مرا به‌قسمت فوقانی بیمارستان بردند. در آنجا مشغول مطالعه کتاب ترکمنی مختموقلی فراغی و وقایع گنبد که یکی از دوستانم برایم آورد، شدم و پس از ۴ روز ماندن در تهران به‌راه افتادم که مایه تعجب دکترها مخصوصاً دکتر خلایقی شد. در حدود بیست روز در آن بیمارستان استراحت نمودم. دکتر نسبت به‌من بی‌نهایت لطف داشت حتی می‌خواست برای درست کردن دست مصنوعی به‌هزینه خودش مرا به‌خارج بفرستد ولی دکتر فیوضات که دست و پای مصنوعی درست می‌کند این کار را انجام داد و کلیه هزینه آنرا دکتر بخودم داد که شخصاً به‌او پرداخت نمودم. در مورد عمل بافتن چون دکترها مرا کمی ضعیف می‌دانستند قرار شد در سال بعد انجام شود و حالا من کاملاً قوی هستم و تجربیات و بینش سیاسی و علمی برای خدمت به‌ستم‌دیدگان دارم و با آن که دستم معیوب و تن و جانم شکسته است با تمام نیروی عشق به‌خلق، به‌مبارزه ادامه می‌دهم و تا آزادی خلق‌های تحت ستم به‌مبارزه پی‌گیر خود ادامه می‌دهم و آرام نمی‌نشینم.

درخواست کشاورزان متحصن در

دادگستری گنبد کاووس

جریده شریفه آیندگان

منطقه حاصلخیز شهرستان گنبد کاووس که از قطب‌های مهم کشاورزی مملکت است از ده‌ها سال قبل بر اثر همت کشاورزان که با زحمات توان‌فرسا آنها را از وضع باتلاقی و نی‌زار و تلوزار (خارها و بوته‌های جنگلی) خارج و مبدل به‌اراضی بایر و مستعد نموده‌اند همه ساله مقادیر هنگفتی غلات و پنبه و هندوانه و میوه‌جات عائد کشور می‌نماید.

این کشاورزان که از اقشار مختلف اجتماع از مهندس و دانشگاهی و فرهنگی تا بازاری و اصناف، همه طبقات را در بر می‌گیرد، با انصراف از مشاغل قبلی خود که احياناً سودآورتر هم بوده با صرف میلیون‌ها ریال در طی ده‌ها سال با حفر چاه‌های عمیق و نیمه عمیق و بقیه موتورآلات و برق‌کشی به مزارع و ایجاد مستحذات و ساختمان‌های کارگری و محل نگاهداری اغنام و احشام و غرس اشجار مثمر و غیرمثمر و تهیه موتورآلات نوین کشاورزی و احداث راه به‌هزینه شخصی و با استقراض از منابع اعتباری مختلف يك قطب كاملاً نو و پیشرفته به وجود آورده‌اند که با بهترین و پیشرفته‌ترین مزارع کشورهای پیشرو در امر کشاورزی و دامداری برابری می‌کند.

کشاورزان مزبور با درک مفاهیم نهضت اصیل ملت اسلامی ایران تحت زعامت و رهبری امام خمینی و با امتثال اوامر معظم‌له که قبل از به‌ثمر رسیدن انقلاب از پاریس صادر فرموده بودند اغلب اراضی خود را در سال جاری به‌کشت گندم اختصاص داده‌اند که در حال حاضر سبز و خرم و چنانچه اقدامات بعدی از قبیل کودپاشی و پاکسازی مزرعه از علف‌های هرز به‌وسیله سمپاش و آبیاری و نگاهداری از تعلیف به‌موقع انجام شود انشاءالله قسمت اعظم احتیاجات مملکت را تأمین خواهند نمود و پس از پیروزی انقلاب انتظار داشتند که برخلاف سیاست مخرب دولت‌های رژیم استبداد در مورد کشاورزی آنان مورد ملاحظت بیشتر و حمایت قانونی قرار گیرند ولی متأسفانه و صدها بار آسف بار، آنکه چند روزی است به‌نحو غیرمترقبه و ناگهانی که مسلماً اجرای توطئه‌ای ضدانقلابی است، عده‌ای از عناصر سودجو و ضدانقلابی که همواره در پی سوءاستفاده از فرصت هستند ناجوانمردانه و برخلاف کلیه اصولی اسلامی و انسانیت به‌مانند آفت سن و ملخ که مزارع را مورد هجوم قرار می‌دهند و چیزی از آن باقی نمی‌گذارند بدون هیچگونه مجوز شرعی و اسلامی و قانونی دسته‌جمعی و در مواردی با تجمع صدها نفر مزارع را مورد تاراج و چپاول قرار داده و هرچه در آن و به‌شرح یاد شده با صرف عمر و هستی کشاورزان فراهم شده لگدمال و به‌اصطلاح زیر سم ستوران انداخته و زراعت گندم را زیرورو و به‌قصد ایجاد آثار تصرف زراعت‌های دیگر می‌کارند. در ضمن

کارگران کشاورزی را که در مزارع کشاورزی مستقر هستند با تهدید و ارباب متواری یا در مصادره با خود شریک می‌نمایند. بدیهی است مهاجمین توطئه‌گر هیچگونه محمل و مجوز شرعی اسلامی و قانونی ندارند والا با وجود موفقیت نهضت انقلاب اسلامی امکان هرگونه دادخواهی و احقاق حق شرعی و قانونی وجود دارد آنچه مسلم و محقق است آن است که اشخاص منفرداً و یا مجتمعاً حق قضاوت شخصی را ندارند چه رسد به آنکه با وجود و نیاز مبرم مملکت به محصولات کشاورزی و ضرورت خودکفائی کشور حدود دویست و پنجاه هزار هکتار گندم و يك صد هزار هکتار جو و اغنام و احشام حیف و میل شده و از بین پرود و انبار غله مملکت را خالی نمایند. جالب است که این توطئه ضدانقلابی ریشه‌ای عمیق دارد زیرا همزمان با مانورهای ضدانقلابی گوشه و کنار مملکت انگشت روی نقطه حساس گذارده و با انهدام مزارع غله در مقیاس بسیار وسیع و مصادره و انهدام وسائل کشاورزی به‌یکباره می‌خواهند کشور ما را از آذوقه و لوازم تهیه آذوقه خلع سلاح نمایند و ما را محتاج امپریالیسم نگاهدارند. اگر اینان یعنی متجاوزین مسلم حرف شرعی قابل قبول دارند، مسلماً در حکومت ملی اسلامی جایی برای گفتن آن دارند. و این نحو اقدام متجاسرانه جز اجرای توطئه ضدملی هدفی ندارد که در درازمدت ایجاد قحط و غلای شدید می‌باشد با وصف معروضه و برای اجتناب از اطلاع کلام فعلاً کشاورزان گنبدکاووس با تحسر و تأسف فراوان ناظر ترکتازی و تهاجم دسته‌جمعی به مزارع و باغات و اغنام و احشام خود هستند و ضمن اختیار تحسن در محوطه دادگستری گنبد کاووس و اعزام نمایندگان به‌منظور تقدیم مراتب تظلم به‌حضور امام خمینی و سایر آیات عظام و مقامات دولتی با کمال بی‌صبری منتظر رفع تعرض و تجاوز به مزارع کشاورزی خود و استرداد ماشین‌آلات کشاورزی که مصادره می‌شود می‌باشند در ضمن به‌کلیه مقامات دولت موقت انقلاب اسلامی و عموم هموطنان هشدار می‌دهیم که محرکین و عاملین این توطئه ضدملی علاوه بر به‌وجود آوردن قحط و غلای شدید بیم آن می‌رود که سرانجام اینگونه اعمال به‌جنگ داخلی و برادرکشی بیانجامد.

کشاورزان متحصن در دادگستری گنبدکاووس

نصرالله کلبانی - امانلی جعفریای - سیدحسین آزاده میلانی -
 محمدقلی کوچکی - رضا خراسانیزاده - محمد فازیایی - محمدرضا
 معصومی - عبدالله سپاهی - محمد چنگیزی - ولیالله پارسا -
 علی اکبر دادگر - رمضان خسروی - مهدی بابایی - علی اکبر طهرانی -
 جواد عامریان - محمد هاشمیه - علی اصغر ترابی - جواد عابدیان -
 محمد مفتون - بهزاد محجوبی - احمد توفیقیان - محمود یغمائی -
 اشراق اشراقی - دهقان خسروی - غلامحسین ابوظالبی - عباس
 رزاقی - محمد اعتباری - مسعود یغمائی - غلام شهرکی - عباس
 فریابی و هزاران امضاء دیگر.

آیندگان ۲۴ اسفند

نام عده‌ای از غاصبین و زمینداران بزرگ ترکمن صحرا

۱- احمد محمدی	۸۰۰۰ هکتار
۲- حاجی قوشان جعفریای	۳۰۰۰ هکتار (نماینده اویسی جلاد)
۳- حاجی ایل محمد بیکزاده	۳۰۰۰ هکتار (کارخانه‌دار معروف)
۴- شریف امامی	۳۰۰۰ هکتار (نخست وزیر اسبق)
۵- شاهپور غلامرضا پهلوی	۴۰۰۰ هکتار
۶- شاهپور عبدالرضا پهلوی	۳۵۰۰ هکتار
۷- شمس پهلوی	۳۰۰۰ هکتار
۸- هزبر یزدانی	۸۰۰۰ هکتار
۹- عبدالله آخوندزاده	۳۰۰۰ هکتار
۱۰- ولی‌اله پارسا	۳۰۰۰ هکتار
۱۱- خندان	۵۵۰۰ هکتار (دیوان - رحمان)
۱۲- حاجی فتح‌اله منتظری	۳۰۰۰ هکتار
۱۳- قوجقی	۲۰۰۰ هکتار (حاجی بایرام‌دردی - حاجی جمعه)
۱۴- مرسل آسوده	۱۰۰۰ هکتار
۱۵- وزارت دفاع (شاه مزرعه)	۸۰۰۰ هکتار
۱۶- حاجی نظر سرشار	۱۰۰۰ هکتار (معروف به نظر گوگجه)
۱۷- مشهد ماسوریان	۱۰۰۰ هکتار

۱۸- رحمان خان آلبا	۸۰۰۰ هکتار
۱۹- حاجی خلوت هوزیاری	۳۰۰۰ هکتار
۲۰- صفر حاجی نظری	۲۵۰۰ هکتار
۲۱- ارازقلی شیرمحمدلی	۱۵۰۰ هکتار (معروف به ارازقلی شوروی)
۲۲- ارازعلی شمالی	۲۰۰۰ هکتار (کارخانه‌دار معروف)
۲۳- تیمسار پالیزبان	۱۵۰۰ هکتار
۲۴- تیمسار هاشمی نژاد	۴۰۰ هکتار
۲۵- تیمسار اویسی	۴۰۰ هکتار
۲۶- تیمسار دهش پور	۶۰۰ هکتار
۲۷- تیمسار جم	۲۰۰ هکتار
۲۸- تیمسار کوه‌رنگی	۳۰۰ هکتار (معاون شهربانی کل کشور)
۲۹- تیمسار شفقت	۲۰۰ هکتار
۳۰- تیمسار بیگلری	۱۰۰ هکتار
۳۱- تیمسار جهانگیر	۳۵۰۰ هکتار
۳۲- تیمسار انصاری	۳۰۰ هکتار
۳۳- تیمسار اسکونی	۱۰۰ هکتار
۳۴- تیمسار وشمگیر	۲۰۰ هکتار
۳۵- تیمسار قره‌باغی	۲۰۰ هکتار
۳۶- تیمسار بدره‌ای	۱۰۰ هکتار
۳۷- تیمسار امجدی	۱۵۰۰ هکتار
۳۸- تیمسار نقدی	۸۰ هکتار
۳۹- تیمسار موتق	۱۵۰ هکتار
۴۰- سرهنگ جلالی	۸۰ هکتار
۴۱- سرهنگ ارمی	۸۰ هکتار
۴۲- سرگرد مجاهدیه	۸۰ هکتار
۴۳- سرهنگ بزرگیان	۵۰۰ هکتار
۴۴- نازجان نظری	۴۰۰ هکتار
۴۵- جرجانی (گرگانی)	۲۰۰۰ هکتار (حسین - بهمن و منصور)
۴۶- شیرمحمدلی	۳۰۰۰ هکتار (حاجی آنه قربان - حاجی)
آشورحاجی منگلی)	
۴۷- میرسعیدی	۵۰۰ هکتار (رئیس دادگستری سابق گنبد)
۴۸- ایگدری	۱۰۰۰ هکتار (حاجی قاقا - حاجی ارازقلی خان)
۴۹- حاجی آن اویلی قلیچ زاده	۸۰۰ هکتار (معروف به آن اویلی قره‌شور)

۵۰- مهدی تهرانی	۳۰۰ هکتار	(نماینده سابق مجلس شورای ملی)
۵۱- ایزد	۱۲۰۰ هکتار	(راندنده رضاشاه)
۵۲- روحانی	۴۰۰ هکتار	(وزیر کشاورزی اسبق)
۵۳- بهمن دولتشاهی	۴۰۰ هکتار	(سردهسته چماق بدستان قانون اساسی)
۵۴- جهان دیده	۴۰۰ هکتار	(مدیرعامل فروشگاه پوشاک فرح پهلوی)
۵۵- نورسی	۵۰۰ هکتار	(بهمن - جلال)
۵۶- صالحی	۵۰۰ هکتار	(امان الله - حسین)
۵۷- خسروی	۱۲۰۰ هکتار	(رمضان - یحیی)
۵۸- علی پهلوی	۶۰۰ هکتار	(حاجی علی اسلامی اصل)
۵۹- پورجان خوجملی	۵۰۰ هکتار	(معروف به پورجان قوجق)
۶۰- حاجی خمید آشورمحمدی	۱۵۰۰ هکتار	(معروف به حمید بیچاره)
۶۱- سید محمود میلانی آزاده	۱۵۰۰ هکتار	(رئیس دادگستری سابق)
۶۲- نادر زاده	۳۰۰۰ هکتار	(نادر جان - قربان خان)
۶۳- محمد فاریابی	۸۰۰ هکتار	
۶۴- کمک و خدرشیخی	۲۵۰۰ هکتار	
۶۵- بایرام گلدی خان نفس پور	۲۰۰۰ هکتار	
۶۶- شاه نظرخان بیگدلی	۲۰۰۰ هکتار	
۶۷- قربان گلدی سعدی	۱۰۰۰ هکتار	
۶۸- حاجی ارازعلی ارازی	۸۰۰ هکتار	
۶۹- حاجی حالی قلیچ تقانی	۸۰۰ هکتار	
۷۰- حاجی خداقلی نجم الدین	۳۰۰۰ هکتار	
۷۱- عطا عظامحمدی	۸۰۰ هکتار	
۷۲- فیروزی	۵۰۰ هکتار	
۷۳- محمد علی عارف	۳۰۰۰ هکتار	
۷۴- گلچین	۱۰۰۰ هکتار	
۷۵- قاسم خان مقصودلو	۱۲۰۰ هکتار	
۷۶- محمود نوروزی	۵۰۰ هکتار	
۷۷- اعتباری	۵۰۰ هکتار	
۷۸- مهندس مقدادی	۳۰۰ هکتار	
۷۹- مختار زاده	۴۰۰ هکتار	
۸۰- همایونی	۵۰۰ هکتار	

۸۱- اکبری	۴۰۰ هکتار
۸۲- مجتبی طباطبائی	۶۰۰ هکتار
۸۳- آرانسیان آرزومیان	۸۰۰ هکتار
۸۴- سازگار	۱۵۰۰ هکتار
۸۵- قنبر آذری	۳۰۰ هکتار
۸۶- بیوک هدایتی	۴۰۰ هکتار
۸۷- حاجی حقیقت (یغمانی)	۱۰۰۰ هکتار
۸۸- مجید مرجانی	۴۰۰ هکتار
۸۹- رحمان خان قلی زاده	۸۰۰ هکتار
۹۰- ملاراز قرنجیک	۵۰۰ هکتار
۹۱- شیرگلی	۴۰۰ هکتار
۹۲- یوسف قرجه	۱۵۰۰ هکتار
۹۳- مختومقلی حاجی کم	۸۰۰ هکتار
۹۴- آنه بردی قره قولیاقی	۱۵۰۰ هکتار
۹۵- قربان محمد قابل	۳۰۰۰ هکتار
۹۶- خادمیان	۴۰۰ هکتار
۹۷- عبدالغفور مشرفی	۵۰۰ هکتار
۹۸- قربان دالجه	۷۰۰ هکتار
۹۹- آی محمد آقپور	۷۰۰ هکتار
۱۰۰- آنه قلیچ آخوند نقشبندی	۵۰۰ هکتار
۱۰۱- اخی (عبدالرحیم) گرکزی	۶۰۰ هکتار
۱۰۲- حاجی جیدرقلی پوری	۳۰۰ هکتار
۱۰۳- مخدا عتیصامی	۱۵۰۰ هکتار
۱۰۴- مامی شیرحیب ایشان	۶۰۰ هکتار
۱۰۵- عطا حاجی نظری	۴۰۰ هکتار
۱۰۶- عبدالله سپاهی	۵۰۰ هکتار

بعهدہ گرفت. این کاملاً حرکتی خودبخودی بود که ضروریات جنبش توده‌ای آنرا ایجاد کرده بود و در رابطه با پیوند روشنفکران انقلابی ترکمن صحرا با حرکات روستائیان تحت ستم گسترش و تکامل یافت، علاوه بر این سابقه کار جمعی و شورایی در فرهنگ خلق ترکمن نیز زمینه بسیار مناسبی در تکامل و گسترش شوراها و پذیرش کامل آن توسط روستائیان، علیرغم دسائس مرتجعین و سرمایه‌داران گردید.

نحوه انتخاب اعضای شوراها و روستایی

به‌مرور که مبارزه روستائیان بر علیه زمینداران بزرگ شکل گرفت شوراها نیز صورتی واقعی‌تر یافت و اعضای شوراها از بین فعالترین و انقلابی‌ترین روستائیان انتخاب گردیدند. زحمتکشان روستاها در اجتماعی مرکب از تمام اهالی روستا و شور و مشورت با یکدیگر در انتخاباتی آزاد و واقعی نمایندگان شوراها را که معمولاً بین ۵ تا ۷ نفر می‌باشد انتخاب می‌نمایند و حدود اختیارات و وظایف آنها را یادآوری می‌کنند. مدت عضویت نمایندگان منتخب مردم در شوراها بستگی به رضایت آنان، از وی داشته و در هر لحظه‌ای که مردم اراده نمایند، نمایندگان جدیدی را جایگزین نمایندگان غیرفعال شورا خواهند کرد. اعضای شورا با اطلاع و آگاهی از خواست مردم در ارتباط با آنان و با مشورت با آنان به‌پیش برد اهداف مشخص روستائیان در جهت احقاق حقوقشان در رابطه با ستاد مرکزی شوراها ترکمن صحرا می‌پردازد.

وظایف شوراها و روستایی

وظایف عمده شوراها و روستایی مدیریت در کشت زمینهای روستاهاست. در واقع هم اکنون در ترکمن صحرا کلیه زمینهای زراعی بازپس گرفته شده از غاصبین و زمینداران بزرگ در محدوده هر روستا به‌تمامی زحمتکشان آن روستا تعلق داشته و اداره آن بدست شوراها سپرده شده است. سازماندهی تولید و چگونگی تشکیل گروههای کار از بین روستائیان برای کار در زمینهای مختلف بعهدہ شورا قرار دارد. معمولاً بجز محدوده‌ای از زمینهای روستا که به‌کشت گندم اختصاص می‌یابد و همه زحمتکشان مشترکاً به‌کار روی آن می‌پردازند بقیه

چگونگی فعالیت شورایی روستائیان ترکمن صحرا

- ضروریات و زمینه‌های ایجاد شوراهای روستائیان در ترکمن صحرا - خلق ترکمن که مدت نیم قرن در زیر شدیدترین فشارهای دیکتاتوری از ابتدائی‌ترین حقوق خویش محروم مانده بود و هرگونه ندای آزادی خواهی‌اش برای رهایی از ظلم و ستم غاصبین و زمینداران وابسته به‌دربار و عناصر و ایادی شاه خائن، به‌وحشیانه‌ترین صورت سرکوب می‌گردید. با قیام شکوهمند بهمن ماه به‌زندگی نوینی پای نهاد دیگر دیکتاتوری پهلوی درهم فرو ریخته بود. حال زمان آن رسیده بود که بجای زمینداران و سرمایه‌داران و مباشران آنها خود روستائیان ترکمن اداره زمینها را بعهدہ گیرند. و بر هستی خویش مسلط شوند. مبارزه روستائیان بر علیه غاصبین و زمینداران بزرگ مبارزه‌ای همگانی و جمعی بود، مبارزه‌ای که زبان حال مشترک تمام زحمتکشان روستاها بوده و کوچک و بزرگ و پیر و جوان را متحد و یکپارچه به‌میدان می‌کشید، مبارزه‌ای طبقاتی که از طرف توده‌های تحت ستم بر علیه زمینداران بزرگ جریان می‌یافت. روستائیان بزودی برای اداره زمینهای خویش و برای برقراری نظم در امر کشت زمینها تعدادی از ریش‌سفیدان روستا را به‌نمایندگی انتخاب نمودند، ولی بلافاصله چون مبارزه آنها از تحرکی خاص برخوردار بود جای ریش‌سفیدان و معتمدان روستا را جوانان انقلابی و پرشور و پر انرژی روستاها گرفته و به‌سازماندهی مبارزات روستائیان و منظم کردن امور مربوط به‌کشت و نگهداری و حفظ زمینها پرداختند، کم کم شوراها از دل مبارزات زحمتکشان بیرون آمد و کنترل و حفاظت زمینها و جلوگیری از توطئه‌های غاصبین و زمین‌داران بزرگ همچنین سازماندهی مبارزات توده‌های مردم را

مسائل سیاسی در حد توان خویش می‌پردازند و فعالیت‌ها و حرکات ستاد مرکزی شوراهای و چگونگی پیشرفت امور مربوط به زحمتکشان را به آنها گزارش می‌دهند. در مورد مسائل حادی که در منطقه وجود دارد نظریات آنان را جویا می‌شوند و به‌مشورت و تصمیم‌گیری جمعی درباره این مسائل می‌پردازند. همچنین شرحی از مخارج و هزینه‌ها را به آنان ارائه می‌دهند شوراهای روستایی همچنین وظیفه دارند که نظریات مردم را به ستاد مرکزی شوراهای انتقال دهند و مسائل آنان را مطرح سازند و مشترکاً به‌چاره‌جویی کارها پردازند.

اتحادیه‌های روستایی در ترکمن صحرا

ضرورت ایجاد اتحادیه‌های روستایی ترکمن صحرا از زمانی که دهقانان به اتحاد و یکپارچگی هرچه بیشتر برای پیشبرد مبارزه خود بر علیه زمینداران بزرگ و غاصبین پی بردند در بین آنان احساس گردید. روستائیان که برای بازی گرفتن زمینهایشان همچنین برای کشت و نگهداری آنها و مبارزه بر علیه تمامی توطئه‌ها و دسیسه‌های عناصر ارتجاعی و زمینداران بزرگ به‌ضرورت همکاری با زحمتکشان روستاهای اطراف پی برده بودند. به‌صورت خودبخودی با شوراهای روستایی اطراف خود، تماسهایی برای همکاری با روستاهای اطراف برقرار کرده و جهت هماهنگی و همکاری در امر کشت زمینها و سایر امور اتحادیه‌های روستایی را بوجود آوردند. هم‌اکنون تعداد ۲۵ اتحادیه روستایی در سرتاسر ترکمن صحرا به‌فعالیت مشغول است. و هر اتحادیه بر اساس فواصل روستاها و ضوابط جغرافیایی از ۷ تا ۱۴ روستا را در بر می‌گیرد. اعضای اتحادیه روستایی هر منطقه از یک نماینده معرفی شده از طرف هر یک از شوراهای روستایی آن منطقه تشکیل می‌شود و هفته‌ای یک بار جلسه اتحادیه در یکی از روستاهای عضو اتحادیه تشکیل و به‌بررسی مسائل منطقه خود می‌پردازد. و تصمیمات لازم را بر اساس رهنمودهای ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا هماهنگ با سایر مناطق و روستاهای ترکمن صحرا اتخاذ و در جهت انجام آن بین شوراهای تقسیم کار می‌کنند.

وظایف و مسئولیت‌های اتحادیه‌های روستایی

اتحادیه روستایی ارگانیست که جهت هماهنگی کار شوراهای روستایی

زمینه‌هایی که محصولات دیگری در آنها کشت می‌شود توسط شورا به‌افراد علاقمند به‌کار در آن با قرعه‌کشی برای یک‌دوره کشت تعلق می‌گیرد و کلیه هزینه‌های آن از طرف صندوق شورا که متعلق به‌اهالی روستاست تامین گردیده و موقع برداشت محصول توسط گروهی که روی آن کار کرده‌اند هزینه‌ها مجدداً به‌صندوق شورا واریز می‌شود. علاوه بر این روابط و ارتباطات روستاها حل و فصل خرده اختلافات روستائیان باهم، تهیه امکانات کشت و برداشت محصول و درواقع نظارت بر تولید و تنظیم نحوه توزیع آن به‌عهده شوراهاست. تعیین سهم صندوق شورا از درآمد حاصله با نظر اهالی به‌توسط شورا انجام می‌پذیرد. درواقع کلیه امور اقتصادی روستا و ارتباطات آن با ارگانهای دولتی مناطق مختلف، رسیدگی به‌وضع روستا و مسائل خصوصی و عمومی مردم همگی به‌عهده شوراهاست. شوراهای روستایی نمایندگان تام‌الاختیار روستائیان هستند. شوراهای ارگانهای حاکمیت توده‌ها و عامل تشکل و سازماندهی و پیشبرد مبارزات آنانند. شوراهای روستایی از محل صندوق شورا که سهمی از محصول به‌آن تعلق می‌گیرد در حد توان خویش به‌فعالیت عمرانی از قبیل ساختن مدرسه، حمام، کتابخانه، راه و پل نیز می‌پردازند. همچنین بودجه‌ئی برای اعزام بیماران به‌شهر و درمان بیماران در حالت‌های اضطراری نیز اختصاص می‌دهند.

فعالیت‌های سیاسی شوراهای روستایی

شوراهای روستایی دارای ارتباطی نزدیک و همه‌جانبه با ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا هستند. مبلغین ستاد مرکزی که مرتباً برای راهنمایی در جهت حل مسائل شوراهای مردم به‌روستاها می‌روند در ارتباطی تنگاتنگ با اعضای شوراهای بوده و دقیقاً آنها را در جریان تحول مسائل منطقه و همچنین تغییر و تحولات کشور قرار می‌دهند و ساعتی را با هم می‌گذرانند، آنان را به‌حقوقشان و چگونگی برخورد با زحمتکشان و پیشبرد مسائل و مشکلات روستائیان آگاه می‌سازند. اعضای شوراهای روستایی نیز در اجتماع تمام اهالی روستا که بطور معمول هفته‌ای یکبار تشکیل می‌شود، گزارشی از کارهای خود را به‌زحمتکشان ارائه می‌دهند. و نیز برای آگاهی آنان از وقایع و مسائل جامعه با زبانی ساده و به‌تشریح

نتیجتاً ایجاد سازماندهی جمعی برای پیشبرد امور مختلف روستاها بوجود آمده است. اتحادیه‌های روستایی وحدت و یکپارچگی زحمتکشان را برای مبارزه‌ای هماهنگ و متشکل در جهت منافع طبقاتی و ملی آنان به پیش می‌راند. اتحادیه‌های روستایی با جمع‌آوری کلیه ماشین‌آلات و سایر ابزار و وسایل تولید از روستاهای تابعه خود، امکان استفاده از همه امکانات چندین روستا را در اختیار تک تک شوراهای عضو قرار می‌دهد. همچنین ماشین‌آلات مصادره شده از غاصبین و زمین‌داران بزرگ در اختیار اتحادیه قرار داشته و هر یک از شوراهای عضو براساس ساعت کاربرد ماشین‌آلات، سهم خویش را در تعمیرات و هزینه‌های سوخت آنها به اتحادیه پرداخت می‌نمایند.

تشکل شوراهای اتحادیه پیشبرد بسیاری از امور روستاها را تسریع کرده و از پراکنده کاری آنان جلوگیری می‌کند. در امر کشت و همچنین مقابله با زمین‌داران بزرگ نیروی جمعی گسترده‌ای را متشکل می‌سازد و گرایشات جمعی را در روستائیان تقویت می‌کند و اختلافات جزئی بین روستاها را که در گذشته بطور غیر اصولی تشدید می‌شد برطرف می‌سازد. اتحادیه‌های روستایی سازماندهی مناسبی برای استفاده از نیروی توده‌ها در پیشبرد امر آنان است. اتحادیه‌های روستایی ارگانی مردمی است که به کلیه امور محدود روستاهای عضو اتحادیه رسیدگی کرده و در ارتباط تنگاتنگ و نزدیک با مردم و با همفکری با آنان به پیشبرد مسائل و خواسته‌های آنان و مبارزاتشان می‌پردازد. جلسات هفتگی اتحادیه‌ها مسائل سیاسی و اوضاع مملکت را نیز مورد بررسی قرار میدهد و سیاست‌های حاکمیت را در رابطه با مسائل ارضی با کمک و همفکری ستاد مرکزی شوراهای برای اعضای خود می‌شکافد، مسئولینی که از طرف ستاد مرکزی در جلسات اتحادیه‌ها شرکت می‌کنند به ارزیابی و بررسی کار اتحادیه، دادن رهنمود به آنها، و آگاه کردن آنان نسبت به وظایف، مسئولیتها و مسائل سیاسی روز پرداخته و در ارتباط نزدیک با اعضای اتحادیه مسائل روستاهای عضو اتحادیه را بررسی می‌نمایند.

اتحادیه سراسری روستایی ترکمن صحرا

ترکمن صحرا منطقه بسیار وسیعی است که از بندر ترکمن در کرانه‌های

دریای خزر تا کوههای جرگلان در حوالی بخورود امتداد یافته است، خلق ترکمن به همراه زحمتکشان غیر بومی در روستاهای این منطقه وسیع عمدتاً به کشاورزی و دامداری اشتغال دارند. زمینهای کشاورزی حاصلخیز این منطقه عموماً در ابعادی بزرگ به مالکیت زمینداران بزرگ و سرمایه‌داران وابسته درآمده و این غاصبین در کل منطقه ترکمن صحرا پراکنده بوده و در رابطه با رشد مبارزات زحمتکشان روستاهای ترکمن صحرا در جهت تشکل ضدانقلابی خویش با همکاری با مرنجین محلی و بعضی از عناصر دولتی و ژاندارمری منطقه اقدامات فراوانی نموده‌اند، پیشبرد مبارزات توده‌های روستایی در جهت بیرون راندن کوتاه کردن دست آنان از زندگی زحمتکشان ضرورت تشکل یکپارچه تمامی زحمتکشان روستاهای ترکمن صحرا را ایجاد می‌نمود. برای اتحاد سیاسی واحد و عملکرد یکسان و همه جانبه در کل منطقه وسیع ترکمن صحرا همچنین تصمیم‌گیری جمعی تر و تعیین خط‌مشی برای پیشبرد و حل و فصل مسائل مربوط به کشت و داشت و برداشت محصول و تامین احتیاجات در سطحی بالاتر نیاز به ارگانی هماهنگ کننده از خود توده‌ها را الزامی ساخته بود، روی این اصل اتحادیه سراسری روستایی ترکمن صحرا شکل گرفت و به ارگانی متکی به توده‌ها و متجلی از درون مبارزات توده‌ها آشنا به مسائل و مصائب، درگیر با مبارزات روزمره آنان تبدیل گردید.

وظایف و مسئولیتهای اتحادیه سراسری روستایی ترکمن صحرا

اتحادیه سراسری متشکل از نمایندگان اتحادیه‌های روستایی مناطق مختلف ترکمن صحرا است. از هر اتحادیه روستایی که خود از نمایندگان شوراهای روستایی تابعه تشکیل گردیده ۲ نماینده برای اتحادیه سراسری انتخاب شده و نمایندگان مزبور اعضای اتحادیه سراسری روستایی ترکمن صحرا را تشکیل می‌دهند. اتحادیه سراسری هفته‌ای یکبار در محل ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا تشکیل جلسه داده و نمایندگان هر اتحادیه به طرح و گزارش مسائل منطقه خود می‌پردازند و شمشه‌ای از کارها و فعالیت‌شان را به اتحادیه سراسری گزارش می‌کنند، در این جلسات زحمتکشان خود با مسائل و مشکلات برخورد کرده و به حل و فصل مسائل

با همکاری و توجه به رهنمودهای ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا که توسط مسئولین کمیته روستایی ستاد که در جلسات اتحادیه سراسری شرکت می‌نمایند می‌پردازند اتحادیه سراسری سیاست و چگونگی برخورد حاکمیت و ارگانهای دولتی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و براساس جمع‌بندی مسائل خط‌مشی و اصولی‌ترین شیوه مبارزه روستائیان را تعیین می‌نماید، همچنین از طرف ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا مسائل سیاسی در قسمتی از جلسات اتحادیه سراسری به بحث گذارده می‌شود. و در واقع در جلسات چندین ساعته اتحادیه سراسری به گزارش دهی مسائل اتحادیه توسط اعضاء بررسی مسائل ارضی منطقه براساس گزارشات، تعیین خط مشی سیاسی در هفته بعد و چگونگی پیشبرد امور روستاها، همچنین طرح و بحث مسائل سیاسی عمده برای اعضاء اتحادیه سراسری جهت آشنائی آنان و انتقال آن به اتحادیه‌های روستایی مناطق مختلف پرداخته می‌شود. علاوه بر این در جلسات اتحادیه سراسری روستایی بنابه ضرورت و پیشنهادات اعضاء آن در برابر مقامات دولتی و ارگانهای مختلف حاکمیت موضع‌گیری سیاسی با نام اتحادیه انجام پذیرفته و اعلام همبستگی با مبارزات کارگران و زحمتکشان سایر نقاط نیز می‌شود.

اتحادیه سراسری طرف مذاکره با ارگانهای دولتی برای پیشبرد خواست روستائیان در زمینه‌های مختلف بوده، و بیشتر اوقات نمایندگان اتحادیه این مسائل را تعقیب و نتیجه آنرا از طریق اتحادیه‌های روستایی و شوراهای روستایی به زحمتکشان گزارش می‌نمایند. تا کنون اتحادیه سراسری جهت افشای عناصر ضد مردمی و ضد انقلابی و سرمایه‌داران وابسته و زمین‌داران بزرگ اعلامیه‌هایی انتشار داده است همچنین خبرنامه ترکمن صحرا که نشریه هفتگی اتحادیه سراسری روستایی ترکمن صحرا است با همکاری نزدیک اعضاء اتحادیه‌های روستایی انتشار می‌یابد و به طرح مسائل و اخبار مناطق آنان می‌پردازد. مسائل مطروحه در جلسات اتحادیه سراسری روستایی ترکمن صحرا معمولاً در خبرنامه ترکمن صحرا برای اطلاع و آگاهی هرچه بیشتر زحمتکشان روستاها از مسائل مطروحه در جلسات و تصمیم‌گیریها انعکاس می‌یابد و خلاصه‌ای از مسائل گزارش می‌شود.

گردهم‌آیی شوراهای روستایی ترکمن صحرا با قیبل از ایجاد اتحادیه سراسری روستایی با ابتکار و بنابه دعوت ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا جلساتی در گنبد مسکول از نمایندگان کلیه شوراهای روستایی تشکیل می‌گردید، غرض از گردهم‌آیی شوراهای بطور عمده طرح سریع مسائل ضروری مطروحه در منطقه در شرایط خاص و در مواقع بحرانی بوده و برای قرار گرفتن توده‌های روستایی در جریان امور و مسائل برپا می‌گردید در شرایط و اوضاع و احوالی که مردم چه در رابطه با مسائل ارضی و اقتصادی و چه در رابطه با مسائل سیاسی جاد همچنین در رابطه با مشکلات و موانعی که مرتجعین سرمایه‌دازان وابسته و زمین‌داران بزرگ و حامیان آنها بر سر راه پیشبرد مسائل توده‌ها برای ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا فراهم نمایند، ضرورت تشکیل گردهم‌آیی شوراهای و انتقال مسائل به آنان و همچنین بردن مسائل بدرون زحمتکشان از طریق شوراهای روستایی امری ضروری و موفقیت‌آمیز بوده است. تا کنون در طی فعالیت بازده ماهه ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا ۹ گردهم‌آیی تشکیل گردید.

از زمان تشکیل اتحادیه سراسری روستایی ترکمن صحرا ارتباط با توده‌های روستایی بطوری اصولی سازمان یافته و به صورت همبستگی درآمده است و از جانب دیگر امکان تماس گسترده با توده‌های وسیعتری که تا کنون به دلیل گستردگی منطقه، پیچیدگی مسائل و تراکم بیش از اندازه کار، ستاد مرکزی از عهده آن به صورت دلخواه بر نمی‌آمد فراهم گردید. از این به بعد علاوه بر وظایف گذشته گردهم‌آیی این شوراهای روستایی به جلسه مشورتی گسترده‌ای برای بررسی کار اتحادیه سراسری و ستاد مرکزی شوراهای دادن پیشنهادات و طرح مشکلات و مسائل تصمیم‌گیری کلی و همه جانبه در مورد آن، همچنین بررسی و طرح مسائل سیاسی تبدیل گردیده و تقریباً هر ماه یکبار تشکیل می‌شود.

